

آچارکشی

دیپلماسی باد خنک



پوریا عالمی

● مسئله امروز جهان هرجی هست، مسئله امروز ایرانی‌ها چیزی نیست جز گاز کولر. الان دانشمندان جهان نگرانند دمای زمین روزبه‌روز بالاتر می‌رود چی می‌شود و از مردم می‌خواهند در مصرف انرژی صرفه‌جویی کنند. ایرانی‌ها می‌گویند یعنی ما لامپ اضافی را خاموش کنیم، هوا خنک می‌شود؟ مثل آن بابایی که بهش گفتند در را ببند بیرون سرد است، گفت: یعنی من در را ببندم بیرون گرم می‌شود؟ یا امروزه در خاورمیانه نگران جنگ هستند، توی تهران همه نگران این هستند که این گرما زده بالا، مردم با هم درگیر شوند. مثلا ما دیروز توی کرج سوار تاکسی شدیم و گفتیم اسبی، راننده‌ه شاکی شد و گفت خودتی. گفتم جان؟ آقا اسبی اسم میدونه. گفت قابلیت میمونه. گفتم آقا عصبانی هستی‌ها. به‌خاطر گرماست. یک‌دفعه بغض کرد و گفت راست می‌گویی همه‌ش تقصیر اینهاست. یک کاری کردند هوا داغ شود مردم بیفتند به جان هم. گفتم آقا شما واقعا به برنامه‌های تلویزیون اعتقاد داری؟ گفت بله من به تلویزیون اعتقاد دارم. تا گفت به چی اعتقاد دارد، من متقاعد شدم. پریدم پایین. یک تاکسی دیگر سوار شدم گفتم داداش بی‌زحمت کولر را بز. گفت ۲۰ تومن باید اضافه بدی. گفتم جان؟ گفت ۲۰ تومن. گفتم یه کولر بزنسی، ۲۰ تومن باید اضافه بدم؟ گفت می‌دونی گاز چنده؟ تا حالا گاز زدی؟ گفتم یه گاز بزنی شما ۵۰ تومن یک‌سال کار می‌کند. بعد من واسه یه گاز کوچیک ۲۰۰ تومن بدم؟ آقاهه گفت همین. این یعنی تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها. توی منزل ما هم کولر خراب است چون این‌قدر هوا گرم است که کسی حال ندارد پرود تا پشت‌بام و شیر آب را باز کند. توی شرکت هم کولر خراب است چون کسی حال ندارد پرود گاز بزند. خلاصه من الان در شرایطی هستم که حاضر به هرگونه توافقی هستم. توی کوآنوم و این چیزمیزها هم می‌گویند اینجا پروانه بر بزند آن یکی قاره توفان می‌شود. حالا هم گرمای طریف اینجا فشار آورده به کری توی این قاره و اسناد از دوجرخه افتاده. به نظر ما این رفتارهای خودجوش در خیابان هم خیلی زمخت نسبت به طریف انجام می‌شود به دلیل گرماست. اگر مذاکرات را یک‌کم لفت بدهند تا پاییز بشود و باد خنکی بیاید، فشار اساتید دل‌پایس هم می‌کشد پایین و مسئله حل می‌شود.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۹۴ • ۱۳ شعبان ۱۴۳۶ • ۱ ژوئن ۲۰۱۵ • سال دوازدهم • شماره ۲۳۱۴ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۳۵ • اذان صبح فردا ۴:۰۶ • طلوع آفتاب ۵:۵۰

روزنامه‌فردا

کارتون خواب



علی رومانی
aliromani84@gmail.com



گزارش فردا

دوروی سکه نشر کتاب در ایران

سلیمان فرهادیان: یکی از موضوعات کلی که همواره مطرح می‌شود کم‌بودن سرانه مطالعه در ایران و همچنین ابراز شگفتی از ازدحام جمعیت کتاب‌نخوان در نمایشگاه کتاب است. بعد هم احتمالا نتیجه می‌گیرند که مراجعه‌کنندگان به نمایشگاه اصولا کتاب‌خوان نیستند و در کمبود تقریجگاه‌های عمومی، نمایشگاه نقش تقریجگاه را برای مردم بازی می‌کند. یکی دیگر از موضوعات، کاهش تدریجی تیراژ یا شمارگان کتاب‌ها در سال‌های اخیر است، به‌طوری‌که در چند سال اخیر به عدد حیرت‌آور ۵۰۰ تا هزار نسخه رسیده است. مقایسه این اعداد با شمارگان دست‌کم صد‌هزارتایی کتاب در دیگر کشورها و حتی در ایران سال‌های گذشته، باعث می‌شود آه از نهاد هر شیفته فرهنگی برآید. برخی از کارشناسان دلیل این کاهش تدریجی تیراژ کتاب‌ها را سیاست‌های دولتی با تغییر سبک زندگی و باورهای مردم می‌دانند و راهکارهایی هم برای برون‌رفت از این وضعیت ارائه می‌دهند. البته در اینکه سرانه مطالعه در ایران کم است و مردم با کتاب (یا دیگر محصولات فرهنگی مانند فیلم و موسیقی) رابطه چندانی ندارند، شکی نیست و در نتیجه سواد عمومی کم است و برای این کمبود سواد عمومی نیز هیچ عذر و بهانه‌ای پذیرفتنی نیست. اما این یک‌روی سکه است. روی دیگر سکه افزایش قابل‌توجه عنوان کتاب‌های تالیف و ترجمه است. طبق آمار وزارت ارشاد، سال گذشته بیش از ۶۴ هزار مجوز برای کتاب صادر شده است؛ یعنی بیش از ۱۷۵ عنوان کتاب در روز که البته این‌یکی آمار دلگرم‌کننده‌ای است. جالب آنکه همان منتقدانی که از کم‌بودن

برای درج تبلیغات خود در وبسایت روزنامه شرق با ما تماس بگیرید

دومین روزنامه پربازدید ایران در فضای مجازی

۸۸۱۹۲۸۷۷-۸۸۱۹۳۹۷۹

sharghdaily.ir

جناب آقای شهردار

بحران آب جدی است! فاجعه در راه است! این روزها این هشدارها را زیاد می‌شنویم. هرچند آدم‌هایی مثل من سال‌هاست دست‌کم به‌طور فردی این بحران را جدی گرفته‌اند یا حتی وسواس‌گونه به آن می‌اندیشند. گناه عدم احساس مسئولیت شهروندی را نمی‌توان به تمامی بر دوش کسانی نهاد که احساس نمی‌کنند و هرگز نکرده‌اند که شهروندند. تا حد زیادی هم حق دارند. (بگذریم که سهم مصرف خانگی ما شهروندان در این بحران بسیار ناچیز است). اما در این حس درونی یا درواقع فقدانِش می‌شود تأثیر گذاشت. وقتی مردم می‌بینند که در پارک‌ها یا بزرگراه‌ها در مملکت خشک و این وضع بحرانی آب هنوز هم مثل ممالک قاره سبز چمن‌کاری شده است و در اوج گرما و آفتاب فواره‌ها یا کارگران خروار خروار آب صرف آنها می‌کنند و نیروی انسانی عظیمی صرف چمن‌زنی می‌شود، از خود می‌پرسند که آیا واقعا بحرانی در کار است؟ سال‌هاست که دیگر باید این چمن‌کاری‌ها متوقف می‌شد و با پوششی دیگر زمین‌ها را سبز می‌کردید. کاری که در محوطه برخی از بلوک‌های اکباتان با پایتال کرده‌اند (آن هم اکباتانی که با استفاده از مخزن سپتیک و بازیافت پساب ساکنان، فضاهای سبزش را آبیاری می‌کند). سال‌هاست که بایست این را که حتی در قاره سبز رعایت می‌شود می‌فهمیدید و به پیمانکارانتان تکلیف می‌کردید که آبیاری در اوج گرما، بخش اعظم آب را به هدر می‌دهد. تازه، ۴۰ سال پیش که در لندن همیشه بارانی بودم که چند روز بود باران نابریده بود، مدام از تلویزیون به مردم می‌گفتند که چمن‌هایتان را شب‌ها آب بدهید، آن هم وقتی که اگر

آن‌سوی تاریخ

گفت‌وگو جایگزین خشونت

جواد اطاعت

زمانی که مسئولیت مرکز مطالعات و تحقیقات وزارت کشور را برعهده داشتم، دو همایش علمی در مورد احزاب برگزار کردیم که ماحصل آن چهار جلد کتاب شد. سه جلد آن را انتشارات همشهری منتشر کرد تحت عنوان تحزب؛ مبانی نظری و آموزه‌ها و تحزب در اسلام و تحزب در ایران. همایش دوم هم یک جلد کتاب از آن منتشر شد که تحت عنوان مشارکت سیاسی؛ احزاب و انتخابات بود. این کتاب‌ها، کتاب‌های مرجع درباره احزاب هستند. در همان زمان دبیر کمیسیون احزاب و تشکل‌های سیاسی هم بودم. این کمیسیون مرکب از دو نماینده از طرف قوه‌مقننه و دو نماینده از طرف رئیس قوه‌قضائیه و یک نماینده از طرف قوه‌مجریه است. در این دوره صدور پروانه فعالیت احزاب به سهولت انجام می‌گرفت. به‌گونه‌ای که تمام اجرائی که سال‌ها پشت در خانه احزاب مانده بودند، دارای شناسنامه فعالیت سیاسی شدند. در اسفند سال ۱۳۷۸، فضای سیاسی کشور به خشونت گراییده بود. فکر کردیم که اگر رهبران حزبی را دورهم جمع کنیم و خواهان گفت‌وگوی مستقیم آنها با یکدیگر بشویم، شاید به تلطیف فضای سیاسی کمک کند. این کار انجام شد. ما تنها فضای گفت‌وگو را فراهم کردیم، ابتدا رقابتی سیاسی مواضع تندى علیه یکدیگر گرفتند؛ اما زمانی که از نظر روانی تخلیه شدند، فضا کمی تلطیف شد. در اینجا بود که اعلام کردیم چرا تأسیس خانه احزاب هرازگاهی دورهم گرد آیند و با گفت‌وگو، سوت‌فشارهای احتمالی را مرتفع کنند. در اینجا با موافقت رهبران حزبی موضوع تأسیس خانه احزاب در دستور کار قرار گرفت. پیش‌نویس اساسنامه‌ای توسط مسئول دبیرخانه احزاب تهیه شد و اینجانب با نمایندگانی از احزاب اصلاح‌طلب و اصولگرا این اساسنامه را اصلاح کردم و سپس از کمیسیون احزاب به امضای وزیر کشور و پروانه فعالیت خانه احزاب صادر شد و براساس اساسنامه انتخابات شورای مرکزی را برگزار و این نهاد مدنی شکل گرفت و تأسیس شد. انتخابات خانه احزاب برای اولین‌بار در شب در وزارت کشور انجام می‌شد. اینجانب با کمک همکارانم مسئولیت برگزاری این انتخابات را برعهده داشتم. از همه احزاب دارای پروانه دعوت به عمل آمده بود و همه احزاب نماینده فرستاده بودند. احزاب اصلاح‌طلب که آن‌روزها به دوم‌خردادی شهرت داشتند از نظر تعداد بیشتر بودند، بنابراین برخی از احزاب رقیب، نگران بودند که در این رقابت رای لازم را کسب نکنند. به‌همین‌دلیل یکی از این افراد که چه ساخته‌شده‌ای است، تلاش می‌کرد بازی را به‌هم برزند. مرتبا اعتراض می‌کرد. ما بنا داشتیم برای شکل‌گیری این نهاد مدنی همه احزاب شناخته‌شده و مطرح از دو جریان اصلی کشور در شورای مرکزی خانه احزاب نمایندگانی داشته باشند؛ بنابراین به همفکران توصیه کرده بودیم به احزاب رقیب خود هم رای دهند. اینجا بود که توسط یکی از دوستان برای آن فرد پیام دادم که شما نگران انتخاب‌شدن نباشید. دوستان دوم‌خردادی به شما رای خواهند داد و شما حتما از جمله منتخبان در شورای مرکزی خواهید بود. با انتقال این پیام، ایشان آرام و قرار گرفت و البته به شورای مرکزی هم راه یافت.

تلاش برای شهروندشدن

نامه فرزانه طاهری به شهردار تهران

بحران آب را جدی بگیرید

که بخش قابل‌توجهی از آب قابل‌شرب را همان زیر‌زمین هدر می‌دهند. یا حتی وقتی به ساختمان اصلی سازمان محیط‌زیست می‌روی، سیفون‌های‌شان خروارخروار آب مصرف می‌کنند به عوض اینکه الکو بشوند و سیفون‌های دوحجمی بگذارند یا شیرهای دستشویی‌شان را سنسوردار کنند.

من هم وقت رانندگی یا در پارک از گل و گیاه لذت می‌برم، اما این را هم می‌دانم که درخت است. آن هم درختان مناسب این اقلیم که این بلیه آلودگی هوا و غبارها را می‌تواند تا حدودی تخفیف دهد. جلوه گل البته بیشتر چشم را می‌گیرد، همان‌طور که تابلوهای عظیم نقاشی روی بلبورد‌ها، هرچند نیک اگر بگیریم، گذشته از اشکالات فنی مثل اندازه فونت نوشته‌ها و کیفیت چاپ و اینها، نصب پرینت‌های بزرگ از این آثار هنری در بزرگراه‌ها یک معنا بیشتر نمی‌تواند داشته باشد: ترافیک هولناکی که فرصت می‌دهد سیر تماشایشان کنیم، وگرنه وقت حرکت کیست که جز طرحی مبهم از آنها را دریابید، مگر آنها که از پیش می‌شناسندشان و خودشان به همین اشارت تابلو را پیش چشم ذهن می‌بینند. اما قرار نیست این دسته از آدم‌ها را با این‌کار در طی ۱۰ روز با هنر آشنا کنیم. و بعدش هم؟ مثل همان هدررفتن آب است. بعد این پرینت‌ها که خادوتومان هزینه‌شان شده چه می‌شوند؟ به شهرهای دیگر می‌روند؟ در جاهای بهتر قرار داده می‌شوند؟

می‌دانم هدررفتن‌ها، یا شاید هم نه هدررفتن برای برخی که سودها می‌برند، در کشورمان بسیار است و ارقامش نجومی‌تر از این حرف‌ها. اما این یکی دو قلم را من رهگذر معمولی خواستم به سهم خود گوشزد کنم.

روایت

یارانه ناعادلانه حذف شود

و با افزایش قیمت بنزین آزاد به سطح هزار و ۵۰۰ تومان این مقصد محقق می‌شود. با این اقدام، دولت مسئولیتش در زمینه آزادسازی قیمت بنزین را تقریبا به اتمام می‌رساند و همچنین دولت عملا اقبال مرفه و توانمند کشور را هدف قرار می‌دهد. یکی دیگر از تردیدهای دولت در زمینه اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، خارج‌کردن اقشار مرفه از فهرست دریافت‌کنندگان یارانه است که تا پیش از این در یک فضای تکزب و تأیید این تصمیم را دنبال کرد. اگرچه این تصمیم نهائیتا گرفته شد ولی تردید و احتیاطی که دولت در این حوزه از خود نشان می‌دهد، قابل درک نیست. با این اقدام و اقداماتی نظیر این، بار هزینه‌ای نادرست و به‌دور از عدالت از دوش دولت و بودجه برداشته خواهد شد. تأثیر مثبت دیگر اجرای قاطع قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، به‌تعادل‌رسیدن بودجه است زیرا درحال‌حاضر با تغییراتی که در قیمت‌های بنزین، گازوئیل و حامل‌های دیگر انرژی به وجود آمده است، هنوز بودجه ناهمتراز است و دولت می‌تواند این همترازی را با حذف یارانه اقشار مرفه جبران کند. عموما دولت‌ها در دوسال نخست خود به این دلیل که سرمایه اجتماعی پس از انتخابات را هنوز پشت‌سر خودشان دارند، بهتر می‌توانند تصمیم‌های جدی که اثرات عمیقی دارند را بگیرند. به‌همین‌دلیل امسال می‌تواند مهم‌ترین سال اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در دولت یازدهم باشد. بنابراین لازم است دولت علاوه بر افزایش نرخ بنزین آزاد، یارانه آب را هم بردارد. یارانه‌دادن به آب در کشوری که اصلی‌ترین بحرانش بحران کم‌آبی است، به‌دور از عقلانیت است. همچنین در زمینه برق با توجه به شرایط ناسامان نیروگاه‌ها، کم‌آبی، قدیمی‌بودن نیروگاه‌ها و پایین‌بودن راندمان آنها و همچنین عدم سرمایه‌گذاری برای احداث نیروگاه‌های جدید، پرداخت یارانه در شرایط کنونی درست نیست.

عجایب غریب

دزدی‌های میلیونی از مراکز متادون درمانی

کم مراکز متادون درمانی توجیه اقتصادی ندارد. حالا باید برسد به وزارت بهداشت، این دزدی را اعلام کند تا آنها میزان داروی مفقودشده را که احتمالا به‌زودی قاچاق می‌شود به بازار، در نظر بگیرند، اما می‌گویند این کار را نخواهد کرد، «دزدی از مراکز متادون درمانی خیلی راحت شده، درزها معمولا خودشان معتادانی هستند که در دزدی سابقه دارند و به‌همین‌دلیل تمیزتر از بقیه این کار را انجام می‌دهند و جنس‌ها را هم توی بازار آب می‌کنند یا می‌فروشند به قاچاقچی‌های متادون که کم‌تعداد هم نیستند، اما اگر این دزدی را به معاونت غذا و دارو اعلام کنیم، به‌جای آنکه کاری از پیش برود، اختطاری بگیریم یا تعطیل می‌شویم». جالب‌تر اینکه کلینیک‌هایی که درز، داروهایشان را برده، مجبورند در هر صورت پوکه شربت‌ها یا قرص‌های متادون را به مقامات بالا برگردانند تا بتوانند سهمیه جدید دارویشان را بگیرند! این دزدی، فعلا تا چند روز، مانع می‌شود سروقت، به مریض‌هایش دارو برساند. حالا باید دنبال قاچاقچیان یا واسطه‌هایی باشد که داروهای دزدی را خریده‌اند و دنبال مشتری می‌گردند!



پدرام سلطانی
نایب‌رئیس اتاق ایران

اقدام دولت در زمینه آزادسازی قیمت بنزین، تصمیمی درست در راستای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها بود، اما به روش اجرای این اقدام ایراداتی وارد است. به جهت انبوه مشکلاتی که در اقتصاد کشور وجود دارد و تمرکز بر مسئله هسته‌ای، دولت در بعضی از مسائل محتاطانه و با تردید عمل می‌کند. اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها از این دست مسائل است که دولت در اجرای کامل و سریع آن تردید دارد. سال گذشته هم شاهد چنین تعلل و تردیدی از سوی دولت بودیم که با تأکید و پافشاری مجلس بر اجرای این قانون، دولت به سمت اجرائی‌کردن آن رفت. امسال نیز همین اتفاق افتاد. آنچه تحت‌عنوان تک‌نرخ‌شدن قیمت بنزین اتفاق افتاده است نیز از این قبیل است. نفس کار دولت در افزایش قیمت بنزین مورد تأیید است و اینکه دولت در این رابطه گام دیگری برداشته، اقدامی شایسته بود. درواقع افزایش قیمت بنزین تحت عنوان تک‌نرخ‌کردن، در شرایط فعلی تصمیم دقیقی نبود چراکه در‌حال‌حاضر عملا قیمت بنزین برای کسانی که سهمیه دریافت می‌کردند، افزایش یافته است. عموم کسانی که سهمیه دریافت می‌کردند اقشار متوسط جامعه بودند که خودروهای کوچکی دارند و بنزین هزارتومانی؛ درواقع افزایش قیمت بنزین، برای این طبقه از جامعه است و قیمت بنزین برای اقشار مرفه که خودروهایی با حجم موتور بالاتر دارند و تا پیش از این هم از سهمیه استفاده نمی‌کردند، تغییری نکرده است. اکنون زمان مناسبی است برای اینکه دولت نرخ بنزین آزاد را نیز به هدف گذاشته‌شده در قانون هدفمندی یارانه‌ها برساند

سعید برآبادی: این دومین‌بار است که مرکز متادون‌درمانی‌اش در ورامین را دزد می‌زنند و تمام شیوه‌ها و قرص‌های متادون را با خود می‌برد. احتیاج به تحقیق زیاد هم نیست؛ به احتمال زیاد، دزد یکی از معتادانی است که بیشتر به‌عنوان بیمار به این مرکز مراجعه و اوضاع را حساسی بررسی کرده است. تقریبا ۱۷ میلیون تومان قرص و شربت از مرکز او برده‌اند که راحت در بازار به دو برابر قیمت فروخته می‌شود. مات‌ومپووت نشسته در کف جاورش فروش. پلیس می‌آید و فقط صورت‌جلسه تهیه می‌کند، نه خبری از انکشت‌نگاری است و نه تحقیق از همسایه‌های محل. می‌گویند دزدی کلینیک‌های متادون‌درمانی آن‌قدر فراوان شده که پلیس تقریبا اعتنایی به آن نمی‌کند. می‌پرسم آخر چرا این میزان قرص و شربت را در داخل مرکز نگه داشته‌ای که چنین اتفاقی بیفتد و جواب می‌دهد: «یک سالی است که روش کار توزیع قرص و شربت متادون فرق کرده و ما را مجبور می‌کنند سهمیه چندماهه‌مان را یکجا بگیریم، اما این ماده، هم گران و هم خطرناک است و انبارکردنش نیاز به مراقبت‌های حساسی دارد که اصلا برای درآمد